بسم الله الرحمن الرحیم

جلسه53- موضوع: درس خارج فقه حضرت آیت الله عندلیب – تعامل با غیر مسلمان- نجاست مخالفین تاریخ: یکشنبه15 /11/96

**بررسی زیارت جامعه**

**نتیجه ی بحث دیروز این شد که در علم رجال تنها اعتماد کردن به قول مثل نجاشی و شیخ که گفته باشند فلان راوی ثقه کافی نیست. نه تنها این تنها راه نیست بلکه خود این راه مبتلاست به اشکال. در نهایت عرض کردیم در علم رجال باید با تجمیع قرائن از جمله ی قرائن قول نجاشی و شیخ راه برای توثیق روات پیدا کرد.**

**محقق خویی نورالله مزجعه در علم اصول بارها راه جمع بین قرائن را خدشه می کند. می فرماید این ضم حجر است به جنب انسان که دو درست نمی کند. یا در بعضی از تعابیرشان می فرمایند ضم مرده به مرده است که زنده درست نمی کند. ما این را جواب داده بودیم. اما قبلا یک اشاراتی در بحث اصول داشته ام. اجازه بدهید ما حق مطلب را واگذارکنیم به خود ایشان منتهی از جای دیگر و آن فرمایش ایشان در کتاب رجال است.**

**یکی از افرادی که در سند زیارت جامعه هم هست محمد بن ابی عبدالله کوفی است. محمد بن جعفر بن محمد بن عون. از این آقا شروع می کنیم. چون از اینجا کمک می گیرم برای تصحیح بقیه ی سند. سند زیارت این بود: روی محمد بن اسماعیل البرمکی عن محمد بن ابی عبدالله الکوفی. سند صدوق به محمد بن اسماعیل برمکی نیمه کاره مانده. ما رفتیم سراغ مقدمات و توثیق مشایخ و اینها. این بماند. خود محمد بن اسماعیل را فعلا بررسی نمی کنیم. می آییم سراغ کسی که محمد بن ابی عبدلله.**

**ابتدا جناب خویی عبارت نجاشی را می آورد در رفم 1020 می گوید محمدبن جعفر بن محمد بن عون الاسدی ابوالحسین الکوفی ساکن الری. یوال له محمد بن ابی عبدالله کان ثقه صحیح الحدیث إلا أنه روی عن الضعفا و کان یقول بالجبر و التشبیه و کان ابوه وجها روی عنه (ابوه) احمد بن محمد بن عیسی له (محمد) کتاب الجبر والاستطاعه. بعد سندش را به این کتاب ارائه می دهد.**

**شیخ هم در فهرست رقم 660 می گوید محمدبن جعفر بن اسدی کتابی دارد در رد استطاعت اخبرنا به جماعه عن تلعکبری، توثیق و تضعیفی نکرده.**

**اما شیخ در رجال می گوید او جزء کسانی است که مستقیم از امام ع حدیث ندارد یکنّی اباالحسین الرازی و کان احد الابواب. سفیر غیر از نائب است. اینها کسانی بوده اند که با آن چهار بزرگوار در ارتباط بوده اند. او یکی از ابواب دسترسی شیعه بوده به وجود مقدس حضرت حجت ع.**

**مرحوم شیخ طوسی در کتاب غیبه ص257 می گوید «قد کان فی زمان السفراء المحمودین اقواما ثقات (یک عده ثقه بودند) ترد علیهم التوقیعات من قبل المنصوبین للسفاره من الاصل منهم ابوالحسین محمد بن جعفر الاسدی رحمهم الله» یعنی عده ای سفیر من الاصل (حضرت حجت ع). عده ای نامه ها را رد و بدل می کردند با این سفراء من الاصل. احد الابواب یعنی وسیله ی ارتباطی شیعه در عصر غیبت صغری با نواب اربعه.**

**بعد مرحوم شیخ در همان کتاب غیبت روایتی را نقل می کند با سند از صالح بن ابی صالح که بعضی از مردم سؤآلاتی داشته اند در سنه ی 290 سؤالها را که داده بوده اند دنبال این بوده اند که جواب بیاید فأتانی الجواب بالری محمد بن جعفر العربی فلیدفع الیه فإنه من ثقاتنا.**

**روایاتی دیگری هم هست که چه در کتاب الغیبه چه در موارد دیگر نقل شده که نشانگر ارتباط این بزرگور ولو به صورت غیر مستقیم با وجود مقدس امام ع است که در بعضی از اینها هم صراحتا توثیق شده.**

**حضرت استاد: نجاشی فرمود او قائل به جبر و تشبیه است. آقای خویی در معجم الرجال ص167ج15 می فرماید ملخص الکلام فی المقام أن محمد بن جعفر الاسدی لاشک فی وثاقته و لم یخالف فیها اثنان. إنما الکلام فی فساد عقیدته وقوله بالجبر و التشبیه ولی من آقای خویی نمی توانم این را بپذیرم با جلالت قدر نجاشی. چون شیخ طوسی رد کتاب الغیبه ص 258 می گوید مات الاسدی علی ظاهر العداله و لم یطعن علیه. این اولا. ثانیا صدوق در کتاب الصوم فقیه می گوید در مورد کسی که عمدا روزه بخورد و کفاره ی جمع بدهد من به این فتوی می دهم لوجود ذلک فی روایات ابی الحسین الاسدی رضی الله عنه فی ما ورد علیه من الشیخ ابی جعفر محمد بن عثمان العمری قدس الله روحه. این صدوق صدوقی است که چند خط قبل می گوید من به روایت سماعه فتوی نمی دهم چون واقفی است پس معلوم می شود مذهب برای صدوق مهم بوده.**

**حالا در معجم ص168 روایات دال بر مدح محمد اسدی را نقل می کند می فرماید و هذه الروایات و إن کانت ضعیفه الاسناد إلا أن تضافرها (جمع شدن آنها) یغنی عن النظر فی سند کل واحد منها و یؤکد ما ذکرنا (که محمد بن جعفر الاسدی جبر و تشبیه هم ندارد) کثرت روایات محمد بن یعقوب الکلینی عنه فلو کان محمد بن جعفر الاسدی قائلا بالجبر و التشبیه لکان تلمیذه محمد بن یعقوب (کلینی) اولی بمعرفه ذلک و ترک الروایه عنه. علاوه بر این کلینی طائفه ای از روایات را نقل می کند در رد جبر و تشبیه.**

**حضرت استاد: مرحوم خویی ناخواسته همان حرفی را می زند که ما می زنیم و آن تجمیع قرائن است. می فرماید تضافر اینها یغنی. شما که می گفتید اینها جنب حجر بر انسان است با ضم مرده به مرده است. اما شما می دانید که این ها مرده نیست. بلکه هر کدام یک نمره دارد و ضم اینها به هم نمره را زیاد می کند. خود این بزرگوار در بحث عدالت که چگونه باید عدالت را تشخیص داد، روایتی ذکر می کند و به آن فتوی می دهد، می گوید با کسی مدتی مؤنوس باشید و از او بدی نبینید می توانی شهادت به عدالتش بدهی. آیا در برخورد اول می شود شهادت داد یا نه خیر ولی وقتی چند روز او را دیدید و خطایی از او ندیدید جمع اینها دلیل حکم بر عدالت می شود.**

**اشکال خویی این بود که شییخ صدوق سندش به محمد بن اسماعیل برمکی ضعیف چون سه نفر با هم برای صدوق روایات محمد بن اسماعیل را گفته اند که هر سه نفر مجهول الحالند. آنها «علی بن احمد بن موسی- محمد بن احمد السنانی-حسین بن ابراهیم بن احمد بن هشام الکاتب یا مکتب» بودند. بله این سه نفر توثیق خاص ندارند ولی: 1. این سه نفر در سند صدوق به کتب هستند و گفتیم یکی از قرائن اعتبار روایت و عدم ضعف روایت این است که اگر صدوق از کسی کلینی از کسی اجازه گرفت دیگر نیازمند به بررسی سند نیست. 2. این سه نفر هر سه از مشایخ اجازه اند که دیروز یک قرینه بر اعتبار راوی کونه من مشایخ الاجازه است. 3. دیدیدی مرحوم نجاشی طعن می زد بر عده ای که اینها زیاد از ضعاف نقل می کنند و به مراسیل اعتماد می کنند. می گفت فلاو راوی ضعیف است و من با واسطه از او نقل می کنم نه بی واسطه. حالا صدوق کیست. نجاشی در رقم 1049 می گوید شیخنا و فقیهنا. شیخ در رقم 710 فهرست می گوید «کان جلیلا حافظا للاحادیث بصیرا بالرجال ناقدا للاخبار لم یر فی القمیین مثله فی حفظه و کثره علمه».**

**حالا چطور بگوییم این صدوق نه یک مورد و دو مورد از این سه نفر کثیرا ما در فقیه و توحید و خصال و علل الشرایع و معانی الاخبار و ثواب الاعمال از این سه نفر نقل روایت کند و بعد نجاشی هم به او طعن نزند که چرا نقل از ضعاف داری.**

**4. یک وقت است شیخ صدوق از یکی از این سه تا نقل می کند، گاهی از هر سه تا نقل می کند. خیلی فرق است بین آنجا که از یک نفر نقل کند یا از هر سه نفر نقل بکند.**

**والحمد لله و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و عجل فرجهم**